

مروری بر عملکرد بایدن در عرصه سیاست خارجی آمریکا در طول یک سال گذشته

دنبال‌گرد و ضعیف تراهمپ



نمانه اکوان: با توجه به گذشت یک سال از روی کار آمدن دولت بایدن و حضورش در کاخ سفید، گزارش‌های متعددی درباره عملکرد وی در طول یک سال گذشته منتشر شده است. نقطه عطف عملکرد دوران ریاست جمهوری بایدن اما به نظر می‌رسد مسائل مرتبط با سیاست خارجی باشد. بایدن اگر چه تلاش‌هایی را در داخل آمریکا برای پیشبرد شعارهایش در زمینه مسائل اقتصادی و همچنین مقابله با اقدامات ضد دموکراسی جمهوری خواهان انجام داد اما باز هم در بسیاری از این برنامه‌ها شکست خورد. در عرصه سیاست خارجی نیز به نظر می‌رسد نتیجه‌ای جز شکست برای بایدن در طول یک سال گذشته به جا نمانده است. پرونده فعالیت‌های بایدن شامل مجموعه‌ای از گام‌های نادرست، اقدامات اشتباه و سیاست‌گذاری‌های کاملاً بی‌ربط است که می‌تواند مثال‌های مختلف آن را در پرونده آمریکا و چین و در عین حال کشورهای دیگری مانند روسیه، ایران، یمن و حتی کشورهای اروپایی مشاهده کرد.

مهم‌ترین مسأله‌ای که در دوران انتخابات ریاست جمهوری، بایدن به آن بارها اشاره کرده بود، شعار «بازگشت آمریکا به صحنه مدیریت جهانی» بود. در طول یک سال گذشته دولت ایالات متحده تلاش فراوانی کرد که باز هم جایگاه خود به عنوان مدیر در عرصه جهانی را به دست بیاورد اما شکست‌های پیاپی در برخورد با مسائل و بحران‌های بین‌المللی نشان داد دولت بایدن چندان هم در این کار موفق نبوده است.

آمریکا و بحران کرونا

مهم‌ترین مسأله‌ای که می‌توانست بازگشت آمریکا به صحنه سیاست جهانی را به نمایش گذاشته و باعث اعتبار و قدرت آمریکا در عرصه روابط بین‌الملل شود، کمک این کشور برای حل بحران کرونا در جهان بود. این مسأله اما همان‌طور که در دولت ترامپ نیز به فراموشی سپرده شد، در دولت بایدن نیز سیاست‌گذاری درستی در قبال آن انجام نگرفت. دولت ایالات متحده اگر می‌خواست موقعیت خود به عنوان قدرت اول دنیا را دوباره کسب کند، باید مدیریت بسیار خوبی در عرصه مقابله با کرونا در جهان نشان می‌داد اما چنین اتفاقی در دوران بایدن نمی‌توانست رخ دهد زیرا ضعف‌های داخلی در عرصه مقابله با بحران کرونا، دولت وی را در عرصه خارجی نیز بشدت ضعیف کرده بود. آمریکا که جزو نخستین کشورهای سازنده واکسن کرونا در جهان بود، نتوانست ملت خود را وادار به تزریق واکسن کند و بحران کرونا بیشتر از آنکه از خارج از مرزهای آمریکا، این کشور را تهدید کند، در داخل مرزهای این کشور بحرانی عظیم به پا کرد. با وجود اینکه تمام دنیا کمک‌کم به سمت استفاده از واکسن رفته و کشورهای مختلف در نقاط مختلف اروپا و آسیا و حتی

بایدن به غیر از ورود غیر ضروری و تهاجمی به بحران‌های حوزه چین و روسیه، در بحران‌های اصلی جهانی که با مرگ مردم سر و کار دارد به شدت انفعالی عمل می‌کند و نمی‌تواند راه حلی برای دنیا داشته باشد. بحران‌هایی نظیر یمن، کودتا در سومالی و یا بحران قحطی و گرسنگی در افغانستان از جمله این بحران‌های قابل توجه هستند

در برخی کشورهای آفریقایی نتوانستند بحران را در داخل مرزهای خود کنترل کنند، دولت بایدن با شرایط روزانه پیش از یک میلیون ابتلا به کرونا روبه‌رو است. عدم مدیریت دولت ایالات متحده در عرصه جهانی در عین حال باعث شده است بسیاری از کشورها به این عقیده برسند تا زمانی که کل جمعیت دنیا در کشورهای مختلف واکنش نشانند، نمی‌توان برنامه‌ای برای مقابله نهایی با این بحران و از بین بردن آن برای همیشه داشت. مهم‌ترین اقدام در این زمینه صحبت و مذاکرات اعضای گروه ۷ در سال ۲۰۲۱ در اجلاس این گروه بود که باعث شد در نهایت بسیاری از آنها وعده‌هایی برای تامین واکسن در نقاط مختلف دنیا ارائه دهند. با این حال گذشت زمان نشان داد هیچ کدام از این کشورها نمی‌توانند به صورت کامل به تعهد خود عمل کنند و این مسأله باعث شد مدیریت بحران کرونا در جهان از دست قدرت‌های جهانی خارج شود.

بحران افغانستان

خروج مفتضحانه از افغانستان، آن هم در روزهای ابتدایی ریاست جمهوری بایدن نشان داد وضعیت تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی این کشور تا چه اندازه اشتباه است. بایدن البته هنوز هم حاضر نیست به دلیل خروج همراه با عجله از افغانستان که باعث شد سدها نفر از نیروهای همکار با ایالات متحده در این کشور جانمانده و جان‌شان به خطر بیفتد، عذرخواهی کند. او مانند ترامپ معتقد است خروج از افغانستان بهترین سیاست بوده که آمریکا می‌توانست در قبال این کشور و قدرت گرفتن طالبان اجرائی کند و البته به این نکته اشاره نمی‌کند که این بهترین سیاست، در واقع تنها سیاستی بود که آمریکا قادر به انجام آن در منطقه بود. همان‌طور که ترامپ بارها اشاره کرده بود ایالات متحده دیگر نه می‌خواهد و نه توان نظامی و اقتصادی باقی مانده در منطقه غرب آسیا را دارد، بایدن نیز ظاهراً بر همین اساس نتیجه گرفت می‌تواند سیاست ترامپ در منطقه را دنبال کند. اگر چه دولت ترامپ تلاش داشت براساس برنامه‌ریزی زمانی و با آرمش افغانستان را ترک کند اما دولت بایدن در نهایت مجبور شد به سرعت این کشور را در شرایطی از حضور نیروهای آمریکایی خالی کند که تصاویر شکل گرفته از این خروج تا حد زیادی به تصاویر خروج آمریکا از ویتنام شبیه شد. آمریکا با این حال افغانستان را بعد از ۲۰ سال حمله نظامی و اشغال در شرایطی ترک کرد که گویی زمان برای افغانستان ۲۰ سال به عقب بازگشته و تا چند وقت آینده قابل مشاهده خواهد بود که دیگر هیچ اثری از آمریکا و تأثیرات آن بر افغانستان باقی نمی‌ماند. وضعیت حقوق بشر، وضعیت سیاست و مهم‌تر از همه اقتصاد افغانستان نشان داد آمریکا غیر از خروج از این کشور، یک ویرانی عظیم بعد از خود بر جای گذاشته است به طوری که سازمان‌های بین‌المللی بر این عقیده‌اند افغانستان از هم‌اینک دوره‌های

ابتدایی یک قحطی بزرگ را آغاز کرده و قرار است به یکی از مهم‌ترین مکان‌های تراهمپ، عامل اصلی تنش در و همچنین شرایط انسانی تبدیل شود.

بحران در روابط با چین

بسیاری از تحلیلگران روابط بین‌الملل بر این عقیده بودند تندروی‌های ترامپ، عامل اصلی تنش در روابط واشنگتن و پکن است. روی کار آمدن بایدن و سیاست‌گذاری او در زمینه مقابله با قدرت گرفتن چین در جهان - بویژه در مسائل اقتصادی - نشان داد تفاوت چندان میان سیاست‌های بایدن و ترامپ در این باره وجود ندارد. همان‌طور که ترامپ جنگ اقتصادی با چین را به راه انداخته بود، بایدن نیز همچنان در حال خط و نشان کشیدن برای پکن درباره مسأله تایوان و روابط تجاری آن در نقاط مختلف دنیا است. اگر چه انتظار نمی‌رفت دولت ترامپ درگیری نظامی‌ای را در دریای چین جنوبی و نزدیکی تایوان با نیروهای چینی آغاز کند اما روی کار آمدن دموکرات‌ها نشان داد این درگیری به احتمال زیاد اتفاق خواهد افتاد. ارسال محرمانه و مخفیانه سلاح و نیروهای آمریکایی به تایوان، آن هم در شرایطی که افغانی‌های دولت

بایدن علیه چین افزایش پیدا کرده است، نشان می‌دهد اگر آمریکا این روزها از ماجرای روسیه و اوکراین نیز نتواند به‌سادگی عبور کند، در چین مجبور به رویارویی نظامی با نیروهای دولت شی‌جین‌پینگ خواهد بود. جنگ‌های تجاری نیز همچنان میان ۲ کشور پابرجاست و رقابت ۲ ابرقدرت در زمینه تکنولوژی‌های روز و همچنین رقابت‌های فضایی نشان می‌دهد شرایط به سمت تبدیل شدن رقابت به جنگ سرد می‌رود. آماده شدن چین برای رویارویی اتمی با آمریکا که در گزارش‌های نهاد‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا به آن اشاره شده است، نشان می‌دهد اگر رویارویی ۲ ابرقدرت نیز در پیش نباشد، به احتمال زیاد رقابت‌ها ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد و می‌تواند سیاست‌گذاری‌های مرتبط با روابط بین‌الملل در کل کشورها را دچار تغییر و تحول کند.

گرفتار شدن در بحران اوکراین

یکی از جملات قابل توجه بایدن در مقابل پوتین این بود: «جازه نمی‌دهیم آنچه در سال ۲۰۱۴ اتفاق افتاد، دوباره تکرار شود». همین مسأله نشان می‌دهد ظاهراً آمریکا در حال آماده شدن برای جبران کم‌کاری خود در بحران جدایی کریمه از اوکراین در سال ۲۰۱۴ است. تأثیرگذاری آمریکا بر ناتو و تلاش این کشور برای عضویت کشورهای مانند اوکراین در این سازمان نظامی، باعث شده است روسیه بشدت از جانب مرزهای غربی خود احساس خطر کرده و حدود ۱۲۷ هزار نیروی نظامی را در مرز خود با اوکراین مستقر کند. پوتین بخوبی می‌داند عضویت اوکراین در ناتو به معنای مستقر شدن موشک‌های هسته‌ای آمریکا با حق افزایش میزان سلاح‌های مرتبط با جنگ‌های متعارف در این کشور است. او به همین دلیل عضویت اوکراین در ناتو را خط قرمز روسیه اعلام کرده است. با این حال دولت آمریکا بارها اعلام کرده هیچ گفت‌وگویی را برای پذیرش کشورهای حوزه قفقاز و آسیای میانه در ناتو نمی‌پذیرد. به همین دلیل است که یک دور مذاکرات امنیتی روسیه با آمریکا در ژنو و بعد در وی آن، مذاکره با ناتو، هر دو به شکست انجامید. با اینکه دولت بایدن تلاش دارد نشان دهد در صورتی که روسیه به اوکراین حمله کند، توان دفاعی و نظامی لازم برای مقابله با این اقدام را در اختیار دارد اما تحلیلگران و رسانه‌های آمریکایی بر این عقیده‌اند در صورتی که چنین چیزی رخ دهد، بایدن غیر از تحریم اقتصادی، هیچ ابزاری برای مقابله با روسیه ندارد و در عین حال

عضویت اوکراین در ناتو نیز بشدت زیر سؤال رفته و تا حد زیادی غیرممکن می‌شود. بحران اوکراین را با هر کدام از استراتژی‌های مدنظر دولت بایدن بسنجیم، در نهایت این پوتین و مسکو هستند که برنده میدان خواهند بود. دولت آمریکا البته بنا دارد به بهانه مسأله اوکراین دست به تحریم اقتصادی روسیه زده و غیر از تحریم بانکی این کشور، تحریم‌هایی را به سمت اروپا هدایت کند نیز اعمال کند. این مسأله البته با مخالفت شدید کشورهای اروپایی مانند آلمان مواجه شده اما در صورتی که این تحریم اعمال شود، به نظر می‌رسد دولت بایدن در این باره بشدت ناتوان است.

گفت‌وگوهای هسته‌ای با ایران

از همان دوران انتخابات ریاست جمهوری زمانی که از مشاوران امنیتی و سیاست خارجی بایدن این سؤال می‌شد که چه سیاستی در قبال ایران و توافق برجام خواهند داشت، پاسخ همه آنها این بود که آمریکا به دنبال بازگشت به برجام است. آنها با این حال هیچ‌گاه بیان نکرده‌اند که سیاست راهبردی آنها برای بازگشت به برجام و احیای آن چیست و قرار است چه اقداماتی در این زمینه انجام دهند. گذشت زمان نشان داد بایدن قرار است همان سیاست‌هایی را دنبال کند که ترامپ در قبال ایران دنبال می‌کرد. او نمی‌خواهد دوباره برجام سال ۲۰۱۵ را احیا کند، بلکه به دنبال بستن قراردادی جدید با ایران است تا بتواند نگرانی‌های آمریکا درباره فعالیت‌های موشکی، منطقه‌ای و حتی پهپادی ایران را نیز مورد توجه قرار دهد. جامعه جهانی اما از این زیاده‌خواهی‌ها خسته شده و در عین حال اقدامی در این زمینه نمی‌تواند انجام دهد و با اینکه عزم و تمایل سیاسی برای این کار ندارد. به همین دلیل گفت‌وگوهای وین با پیچیدگی‌های بسیار زیادی روبه‌رو شده است و انتظار نمی‌رود دولت بایدن عزم سیاسی برای بازگشت به برجام داشته باشد و همین مسأله باعث شده است ایران به دنبال راه‌های جایگزین برای برجام و توافق با غرب باشد. شدن سیاست منطقه‌ای ایران در زمان دولت سیزدهم، پیوستن ایران به اجلاس شانگهای و اجرایی شدن قرارداد ۲۵ ساله بین تهران و پکن و همچنین قرارداد ۲۰ ساله همکاری‌های اقتصادی با مسکو، نشان می‌دهد ایران دیگر تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد مذاکره با غرب نگذاشته و تلاش دارد بدون مذاکره با آمریکا، تحریم‌ها را ناکارآمد کند.

این مسأله باعث ایجاد نگرانی در داخل آمریکا نیز شده است؛ بدین ترتیب ایران می‌تواند با افزایش میزان فروش نفت خود و همچنین رابطه اقتصادی با روسیه، چین و دیگر کشورهای جهان، به سمت بی‌اثر کردن تحریم‌ها رود و در عین حال برنامه هسته‌ای خود را نیز ادامه دهد و درباره آن به آمریکا پاسخگویی نداشته باشد. نکته جالب توجه در این باره این است که آمریکایی‌ها خود می‌دانند که در حقیقت هیچ راهی جز گفت‌وگو با ایران وجود ندارد و رسانه‌های آمریکایی نیز بارها اعلام کرده‌اند که برخلاف تبلیغات سیاسی صورت گرفته، آمریکا و رژیم صهیونیستی هیچ نقشه دوم یا «پلن بی»ی برای مقابله با ایران ندارند.

دموکرات‌ها و مسأله دموکراسی در جهان

ماجرای انتخابات سال ۲۰۲۰ آمریکا و اتهاماتی که این روزها هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه علیه یکدیگر مطرح می‌کنند تا فرآیند رای‌گیری در این کشور را همراه با تقلب و فساد نشان دهند، باعث شده صحبت‌های آمریکا درباره ترویج دموکراسی در جهان دیگر چندان خریداری نداشته باشد. گرچه بایدن با پی بردن به این مسأله تلاش داشت با برگزاری یک اجلاس بزرگ جهانی درباره دموکراسی، دوباره آمریکا را به صحنه جهانی در این باره بازگرداند اما نتیجه برگزاری این کنفرانس و

خط‌کشی‌های سیاسی در دعوت از رهبران دنیا به این کنفرانس نشان داد دولت بایدن در این باره هم نمی‌تواند موفقیتی داشته باشد و در عین حال نمی‌تواند بر مشکلات داخل آمریکا نیز با این اجلاس‌ها و کنفرانس‌ها، سرپوش بگذارد. تعدادی از مشاوران بایدن در همان زمان نیز به او تأکید کرده بودند که با توجه به مشکلات پیش آمده برای دموکراسی آمریکا و بویژه حوادث مرتبط با حمله معترضان به نتایج انتخابات به ساختمان کنگره که هنوز مباحث آن در واشنگتن بسیار داغ است، بهتر است اجلاس دموکراسی توسط دولت او برگزار نشود. با این حال بایدن این اجلاس را برگزار کرد و نتوانست به هدف خود که ایجاد فضاسازی رسانه‌ای در این باره بود دست یابد. عدم دعوت از کشورهای مانند چین، روسیه یا حتی کشورهایی که دارای دموکراسی هستند و دعوت از کشورهایی مانند مصر که رئیس‌جمهورش با کودتا خط‌کشی‌های سیاسی در دولت خود به بحث دموکراسی نمی‌تواند باشد را به نتایج دلخواه خود برساند و تنها یک رسوایی سیاسی دیگر برای دولت او به بار می‌آورد.

مسأله فلسطین و اشغالگران

یکی از مسائلی که نشان داد سیاست خارجی بایدن مانند سیاست داخلی‌اش بشدت ضعیف است، مسأله مدیریت رژیم صهیونیستی در برخورد با فلسطینیان است. مسؤولان رژیم صهیونیستی این روزها بخوبی می‌دانند که آمریکا در مقابل شهرک‌سازی‌های غیرقانونی آنها و همچنین حمله به مسلمانان ساکن سرزمین‌های اشغالی، حتی یک انتقاد کوچک هم از آنها نمی‌کند. این مسأله باعث شده است درگیری‌ها در داخل سرزمین‌های اشغالی افزایش یابد و رژیم صهیونیستی در عین حال برای انجام عملیات‌های خارج از مرزهای خود جدی‌تر شود. در عین حال گرچه ترامپ تلاش کرد با نزدیک کردن کشورهای عرب منطقه و رژیم صهیونیستی راهی برای عادی‌سازی روابط و قدرتمندتر شدن این رژیم بیابد، دولت بایدن حتی این راه ادامه نمی‌دهد. این مسأله باعث شده است تحلیلگران بر این عقیده باشند که مسأله فلسطین به مسأله‌ای کم‌اهمیت برای دولت بایدن تبدیل نشده و او تلاش دارد هیچ درگیری‌ای با رژیم صهیونیستی نداشته باشد، زیرا می‌داند این کار می‌تواند سرنوشت او و دموکرات‌ها در انتخاب ۲۰۲۲ و ۲۰۲۴ را بشدت تغییر دهد.

دولتی ضعیف در آمریکا؛ ضعیف‌تر در خارج از آمریکا

مروری بر فعالیت‌ها و سیاست‌های بایدن و دولتش در عرصه سیاست خارجی، نشان می‌دهد همان‌طور که دولت بایدن یکی از ضعیف‌ترین دولت‌ها در عرصه سیاست داخلی آمریکاست، در عرصه سیاست خارجی نیز حرفی برای گفتن ندارد. او به غیر از ورود غیر ضروری و تهاجمی به بحران‌های حوزه چین و روسیه، در بحران‌های اصلی جهانی که با مرگ مردم سر و کار دارد بشدت انفعالی عمل می‌کند و نمی‌تواند راه‌حلی برای دنیا داشته باشد. بحران‌هایی نظیر یمن، کودتا در سومالی یا بحران قحطی و گرسنگی در افغانستان از جمله این بحران‌های قابل توجه هستند. این در شرایطی است که شعار اصلی بایدن مبنی بر بازگرداندن آمریکا به عرصه سیاست جهانی و مدیریت جهان است. این عملکرد و هشدار درباره نتایج آن را می‌توان بخوبی در رسانه‌های آمریکایی مشاهده کرد؛ آنها چند هفته‌ای است که درباره نوع برخورد و بایدن با مسائل جهانی هشدار می‌دهند و باید دید آیا در چند سال آینده دولت دموکرات می‌تواند تغییری در این زمینه ایجاد کند؟

اگرچه بایدن تلاش داشت با برگزاری یک اجلاس بزرگ جهانی در خصوص دموکراسی، دوباره آمریکا را به صحنه جهانی در این حوزه بازگرداند اما نتیجه برگزاری این کنفرانس و خط‌کشی‌های سیاسی در دعوت از رهبران دنیا نشان داد دولت بایدن در این باره هم نمی‌تواند موفقیتی داشته باشد و در عین حال نمی‌تواند در این اجلاس‌ها و کنفرانس‌ها، سرپوش بگذارد

صهیونیست